

مشکلات آموزشی رشته جامعه‌شناسی در ایران

دکتر عبدالعلی لهسانی زاده^۱

مقدمه

رشته جامعه‌شناسی در ایران تاکنون به دفعات مورد بررسی قرار گرفته و نتایج آن هم به زبان فارسی^۲ و هم به زبان انگلیسی به رشته تحریر درآمده است.^۳ در این تحقیقات بیشتر مسائل کلی جامعه‌شناسی در ایران مورد توجه قرار گرفته و آن جا که مسائل را به بخش‌های تخصصی تری تقسیم نموده‌اند، برای جلوگیری از اطاله کلام، مشکلات را به شکل رؤس مطالب و خیلی مختصر توضیح داده‌اند.

از آنجا که در رشته دانشگاهی، مسائل و مشکلات متعددی وجود دارد و شناسایی آنها بطور دقیق، الزامی است. بنابراین در مقاله حاضر و در ادامه پژوهش‌های قبلی، سعی شده است که تنها مشکلات آموزشی در مقطع (لیسانس) رشته جامعه‌شناسی در ایران مورد کنکاش قرار گیرد. اهمیت این نوع تحقیق، این است که بطور معینی با مشکلات و مسایل مبتلا به جامعه‌شناسی آشنا خواهیم شد و سپس یک استفاده‌ی کاربردی از آن می‌توان کرد. مقاله حاضر بر اساس تجربیات ده ساله‌ی آموزشی خود در بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز تدوین شده است. در این مدت که استاد مشاور

۱- دانشیار بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

۲- توسلی، غلامعباس؛ پ: ۳۵۳، ۱۹۲، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۲، لهسانی زاده، ۱۳۷۱ (الف) ۸۱-۱۱۱

۳- Tarassoli Gh.A 1976 :Tehranian et al ., 1987 Mahdi and Lahzaeis adeh 1992.

دانشجویان دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد بودم، از نزدیک با بسیاری از مسائل آموزشی دانشجویان آشنا شدم. برای اینکه نظریات خود را به صورت یکطرفه در ارزیابی این رشته اعمال نکرده باشم، از تجربیات سایر همکاران در دیگر دانشگاههای ایران، بهره برده‌ام. در آخر از آنجا که یکی از روشهای تحقیق مفید در جامعه‌شناسی، بررسی آراء و نظریات عناصر موضوع نسبت به خود موضوع می‌باشد، لذا در یک نظرخواهی از یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفره دانشجویان، که از آنها خواسته شده بود تا هر مشکل آموزشی که در ارتباط با رشته جامعه‌شناسی به نظرشان می‌رسد، بصورت تشریحی بیان کنند، پاسخ‌های بسیار آموزنده‌ای دریافت شد و این پاسخها بیانگر آگاهی دانشجویان از مسائل و مشکلات آموزشی است.

برنامه آموزش و محتوای آن

از مشکلات اساسی آموزش در جامعه‌شناسی، تغییر مداوم برنامه‌های درسی است - که در این تغییر و تحولها، هم تعداد واحدها زیاد و کم می‌شود و هم تعدادی از دروس حذف و یا بر عکس اضافه می‌شوند و در این رابطه هم برای بخشهای مختلف و هم برای مسئولین آموزشی مشکلات اساسی ایجاد می‌شود چرا که در آینده با عوض شدن احتمالی برنامه، تبدیل واحدها به یکدیگر آسان نخواهد بود و دانشجو ضرر خواهد کرد. هنوز در بسیاری از بخشها برنامه ریزی صحیح وجود ندارد و بعضاً دانشجویان در مورد ترتیب درسها، توجه نیستند. به همین علت یا ترتیب پیش نیازهای دروس مشخص نیست و یا اگر مشخص باشد، به این دلیل که درسها به ترتیب یکی پس از دیگری عرضه نمی‌شوند، دانشجویان قادر نخواهند بود که خود، بدون راهنمایی استاد مشاور، این ترتیبات را رعایت کنند. در همین رابطه، مشاوره‌ها هم چندان مفید نیست و بسیاری از آنها فقط در حد امضای کارت ثبت نام دانشجو کاربرد دارد.

در برنامه‌های درسی موجود، عدم توازن در حجم درسها مشاهده می‌شود. مثلاً بعضی از دروس اختیاری حجم سنگینی دارند و به همین دلیل دانشجو از مطالعه دروس اصلی خود باز می‌ماند. در مقابل، دیده شده است که بعضی از دروس اصلی حجم بسیار کمی دارند و دانشجویان ادعا می‌کنند که از این نوع دروس چیزی یاد نمی‌گیرند و بنظر می‌رسد که مرجعی برای کنترل این نوع کمبودها وجود ندارد.

خصلت بعضی از دروس جامعه‌شناسی بگونه‌ای است که به اصطلاح دانشجویان

«خشک» به نظر می‌رسد به عبارت دیگر بعضی از دروس «بی روح» هستند و جذبه‌ای برای دانشجویان ندارند. دانشجویان از خواندن این گونه دروس «خشک و بی روح» زود خسته می‌شوند و به همین علت هیچگونه انگیزه‌ای برای جذب و درونی کردن آن نمی‌یابند. بعضی از دروس را می‌توان به طرق مختلفی قابل فهم و جذاب نمود. مثل توام نمودن دروس با فیلم و سخنرانی مسئولین مختلف، استفاده از اسلاید و امثالهم، که روش‌هایی برای جلب توجه دانشجویان و پر محتواتر کردن دروس است و یا بازدیدهای مختلف می‌توانند درس را از حالت یکنواختی و خسته‌کننده بودن در بیاورند.

بعضی از مطالب در جامعه‌شناسی بسیار انتزاعی هستند (بیان جزئی از کل - یا برگرفته شده از جایی). به نظر دانشجویان، مطالب انتزاعی قابل لمس نیستند، لذا درک آن برای دانشجویان بخصوص در سالهای اول مشکل می‌باشد. از طرف دیگر بعلاوه حجم دروس و ساعات کم، مطالب ممکن است در کلاس، آنچنان که باید شکافته نشده و مورد بحث قرار نگیرند. بسیاری از دانشجویان با خواندن کتاب هم، باز در فهم این مسایل نظری مشکل دارند. ممکن است در اینجا گفته شود که ساعت‌های مشاوره به همین منظور است، که دانشجو پس از کلاس به صورت انفرادی با استاد خود به بحث بنشیند. اما حقیقت امر اینست که در بسیاری از بخشها، یا ساعات مشاوره وجود ندارد و یا عملاً فقط آگهی آن بر در اتاق استاد دیده می‌شود و از استاد مربوطه در آن ساعات خبری نیست.

از دیگر مشکلاتی که در ارتباط با محتوای دروس مطرح است، مشخص کردن رئوس مطالب درسی از طرف استاد انقلاب فرهنگی می‌باشد. در کمتر نقطه‌ای از دنیا، یک مرجع رسمی برای استاد مشخص می‌کند که چه مطالبی را باید درس بدهد. این امر بحث برانگیز است، زیرا نظرات استادان از جایی به جای دیگر دارای تفاوتی است. ثانیاً دروس دانشگاهی دائماً در حال تغییر است و موضوعات جدیدی در هر علمی بوجود می‌آید. حال اگر قبول کنیم که تعیین رئوس مطالب الزامی است، پس رئوس مطالب باید دائماً تغییر کند. مشکلی که در این رابطه وجود دارد این است که رئوس مطالب را که در ابتدای انقلاب نوشته‌اند، با سلیقه‌های خاصی انتخاب شده و به همین دلیل بیشتر اساتید دیگر این رئوس را در ارائه مطالب درسی رعایت نمی‌کنند. بنابراین به عقیده من بهتر آن است که رئوس مطالب، بخصوص برای رشته‌های پویایی همچون جامعه‌شناسی، برداشته و حذف شود. یکی دیگر از مشکلات مربوط به محتوای

درسی، پیدایش سازمانی واحد برای تهیه کتب درسی است. پرسشی که در اینجا می‌توان مطرح کرد، این است که آیا در دانشگاه مثل دبیرستان باید کتب واحدی بطور سراسری، تدریس شود؟ دانشگاه مکانی پویاست و باید مرتباً مطالب جدید عرضه شود. باید دانشگاه محل برخورد آراء و عقاید باشد. دانشگاه‌های مختلف می‌باید کتب متفاوتی را عرضه کنند و دانشجویان هر دانشگاهی از مطالب سایر دانشگاه‌ها استفاده کنند تا از این رهگذر و در یک کشاکش، خصلت پویایی و انباشتی علم، نمایان گردد. اگر هر دانشگاهی برای خود انتشاراتی داشته و کتب درسی را خود چاپ کند، دیگر چه نیازی به یک مؤسسه دولتی مجزا برای چاپ کتب می‌باشد؟ در کشور های پیشرفته، که دارای جامعه‌شناسی پویا می‌باشند، یکی از علل اساسی آن، سرعت در ارائه مطالب جدید و گوناگون است، بطوریکه حتی در یک رشته هم نمی‌توان همه مطالب چاپ شده را دنبال کرد.

مسائل آموزشی در ارتباط با اساتید

متأسفانه رشته جامعه‌شناسی به گونه‌ای است که هر کس در جامعه احساس می‌کند که در این رشته درس نخوانده، استاد است و به خود این اجازه را می‌دهد که در سطح استادی اظهار نظر نماید. البته ما منکر آن نیستیم که همه انسانهایی که بصورت اجتماعی زندگی می‌کنند، این حق را دارند که در مورد اجتماع و جامعه خود صحبت کنند، اما هرگاه بحث کارشناسی پیش بیاید، باید عوام و غیر متخصصین، اجازه دهند تا اظهار نظر علمی جامعه‌شناختی، به عهده جامعه‌شناسان باشد.

علیرغم وجود دخالت‌های مکرر همگان در جامعه‌شناسی، هنوز هم تربیون‌های جامعه‌شناسی در سطح دانشگاه‌ها به جامعه‌شناسان اختصاص دارد، اما در این زمینه، کمبود استاد جامعه‌شناسی، سخت مشهود است.

حجم زیاد پذیرش دانشجو و عدم بازگشت بسیاری از فارغ‌التحصیلان این رشته به کشور، دانشگاه‌ها را با کمبود استاد مواجه کرده است. برای جبران این کمبود معمولاً از دو مکانیزم غلط استفاده می‌شود، یکی استفاده از اساتید حق‌التدریس که عمدتاً احساس مسئولیت نمی‌کنند و دیگری واگذار کردن واحدهای زیاد به اساتید تمام وقت که این بار سنگین باعث خستگی استاد از یک طرف و عدم مطالعه «به روز» از طرف دیگر می‌شود. مسئله بسیار مهم در ارتباط با اساتید، عدم حضور و غیاب در کلاسهای

درسی است. این کنترل، از طرف بعضی از اساتید، جدی گرفته نمی‌شود. بسیاری از اساتید حضور و غیاب می‌کنند ولی در عمل تاثیر نمی‌دهند. و این ایراد از سیستم آموزشی است که به دانشجویان اجازه غیبت می‌دهد. در دانشگاهها اغلب دیده می‌شود که شروع و پایان ترم تحصیلی با دانشجویان است. گویی اقتداری در آموزش نیست. برخی از دانشجویان دیر سر کلاس حاضر می‌شوند و بعضاً زود از کلاس می‌روند و حواس بقیه را پرت می‌کنند، گویی استاد هیچ اقتداری در کنترل این گونه رفت و آمدهای بی‌موقع، ندارد. (البته این ویژگیها صرفاً مربوط به رشته جامعه‌شناسی نیست و عمومیت دارد).

مشکل دیگر، عدم تسلط برخی اساتید به مواد درسی است که در واقع با حضور یک سیستم ارزیابی درست و صحیح جای این افراد در دانشگاهها نخواهد بود. بعضی از اساتید معلوماتشان محدود به یک یا دو کتاب خاص است و توانایی ارائه تحلیلهایی در مورد اطلاعات جامع و عمیق مندرج در کتب و آثار معروف جامعه‌شناسی را ندارند. در بعضی موارد، مطالب را به صورت منظم عرضه نمی‌کنند (البته این موضوع تا حد زیادی به آموزش بر می‌گردد چرا که بعلت نبودن مقطع دکترا یا فوق لیسانس در برخی رشته‌ها مثل جامعه‌شناسی، فارغ‌التحصیلان روش تدریس نمی‌آموزند) و سر در گمی عجیبی برای پی‌گیری مطالب از سوی دانشجویان به وجود می‌آید.

عدم معرفی کتب موجود از طرف اساتید، مشکل دیگری را ایجاد کرده است. درست است که در جامعه‌شناسی ایران کتب متنوع وجود ندارد، اما همین تعداد اندک نیز به دانشجویان معرفی نمی‌شود و یا کتب معرفی شده در بازار، یافت نمی‌شود و اگر یافت شود قیمت‌ها سرسام‌آور است و دانشجو قدرت خرید آن را ندارد. باید به دانشجو در رابطه با کتاب، سرسید و یا بن کتاب داد.

نحوه برگزاری امتحان نیز مهم است، چون دانشجویان عمدتاً شبهای امتحان درس می‌خوانند، باید ترتیبی اتخاذ گردد تا امتحانات بصورت هفتگی درآید تا در این امتحانات (کوتاه) دانشجویان همیشه آماده باشند. در بسیاری از دانشگاهها امتحان نیم‌ترم برگزار نمی‌گردد و دانشجو در پایان ترم با حجم زیاد کتاب و غافلگیری در نوع سؤال مواجه می‌شود. شکل امتحان گرفتن‌ها نیز در واقع معلومات حقیقی دانشجویان را نمی‌سنجد، بخصوص که بسیاری از سؤالات فنی در سالهای پی‌درپی تکراری هستند و دانشجویان زیرک کلاس، بدون درس خواندن کافی، با مرور همان سؤالات، جواب را از

قبل مهیا ساخته‌اند.

از آنجا که رشته جامعه‌شناسی بیشتر موافق سئوالات بازو تشریحی است (بخصوص در دروس تخصصی) یکی از مشکلات، نحوه نمره دادن و ارزیابی پاسخهاست. بسیاری از دانشجویان معتقدند که ارزیابی اساتید فاقد معیار و شاخص کمی است و بیشتر جنبه سلیقه‌ای دارد. همین مشکل در پاسخهای کنکور ورودی کارشناسی ارشد نیز وجود دارد و شدیداً مورد اعتراض دانشجویان می‌باشد.

مسئله دیگر اینست که دانشجویان معتقدند که اساتید از ارائه بحث‌های باز سرباز می‌زنند و یک حالت «خود-سانسوری» دارند. برای اساتید خاصه جامعه‌شناس باید امنیت شغلی و آزادی نسبی در بیان و تجزیه و تحلیل مطالب اجتماعی و وجود داشته باشد. استاد باید مثل یک طبیب دردهای اجتماعی را تشخیص داده و آن را گوشزد کند، تا جامعه در صدد رفع آن بر آید.

مشکلات آموزشی دانشجویان

در چارچوب آموزش جامعه‌شناسی ایران، دانشجویان نیز همانند اساتید، با یک سری مشکلات روبرو هستند. در برخی موارد این مشکلات را خورد دانشجویان می‌آفرینند و یا طبیعت رشته و نظام آموزش عالی برای آنها ایجاد کرده است.

اولین مشکل، نحوه انتخاب واحدهای درسی است. تعداد واحدهائی که در یک نیمسال انتخاب می‌شود، بعضی مواقع به ۲۴ واحد می‌رسد. این مسئله یک فاجعه است. یک دانشجوی قوی و زرنگ حداکثر باید ۱۸ واحد بگذراند و یک دانشجوی ضعیف ۱۴ واحد. اما دانشجویان به بهانه‌های مختلف تا ۲۴ واحد می‌گیرند. مثلاً دانشجویان ترم آخر سعی می‌کنند که بتوانند ۲۴ واحد انتخاب کنند. اما خصلت رشته جامعه‌شناسی به گونه‌ای است که در سالهای آخر باید واحدهای درسی کم و به جای آن تحقیق زیاد باشد تا دانشجویان تجربه‌ای کسب کرده و مطلبی را بیاموزند.

معلمان آموزش و پرورش که دانشجو هستند نیز با مسائلی روبرو هستند از جمله اینکه در ترم اول، کلاسها را با کلاس مدرسه خویش تنظیم می‌کنند ولی در نیمسال دوم، ایجاد هماهنگی کمتر میسر است و در نتیجه نمی‌توانند حضور منظمی در کلاس داشته باشند. در این مورد برای ایجاد نظم بیشتر، باید فکری اساسی کرد. شاید بزرگترین و بغرنج‌ترین مسئله دانشجویان جامعه‌شناسی، جزوه‌نویسی باشد که البته بیشتر حالت

دیگته‌نویسی دارد، در واقع جای یادداشت برداشتن و یا نت برداری، را گرفته است. که این کار دانشجویان را خسته و انفعالی می‌کند و به دانشجویان فرصت فکر کردن نمی‌دهد. به دلیل اینکه دانشجویان از قدرت جزوه‌نویسی برخوردار نیستند، اغلب جزوه‌ها ناقص و انباشته از غلط است. و در امتحان نیز همان غلطها را به برگه امتحانی خود، منتقل می‌کنند. و اینجا تقصیر و کوتاهی از دانشجویان نیست چرا که باید از دوره دبستان به بچه‌ها طریقه یادداشت برداشتن را آموخت و ثانیاً اساتید باید تلاش کنند که از کتب موجود استفاده کنند و یا خود جزوه تکثیر نموده و یا کتب درسی تهیه کنند.

همچنین نحوه درس خواندن دانشجویان نیز از دیگر مسائل مهم آموزشی در رشته جامعه‌شناسی و سایر رشته‌هاست. اکثر دانشجویان شب یا هفته قبل از امتحان درس می‌خوانند، آنها عمدتاً برای نمره درس می‌خوانند. دانشجویان باید به صورت هفته‌ای درس بخوانند، یعنی تا پایان هفته حداقل یکبار درس را خوانده باشد و در هفته قبل از امتحان، درس را دوره کند. درس خواندن گروهی هم در ایران نوعی اتلاف وقت است. - بسیاری از دانشجویان جامعه‌شناسی از سطح سواد فارسی نسبتاً ضعیفی برخوردارند، و کلمات را غلط می‌نویسند، پس باید روی درس فارسی آنها، تاکید کرد. سطح سواد انگلیسی اکثر آنها بسیار پایین است و باید آنها را به سبک کلاسهای خارج از دانشگاه آموزش داد، چرا که سیستم آموزشی زبان دانشگاهها ایراد دارد. زبان تخصصی را باید متخصص، بیاموزد؛ اما می‌بینیم که وضع زبان تخصصی دانشجویان مختلف، بسیار نگران کننده است. بطور کلی این ضعف از دوره دبیرستان آغاز می‌شود و این ضعفها و کم سوادها، در بین دانشجویان بسیار محسوس است.

رابطه بین استاد و دانشجو نیز زیاد مورد پسند دانشجویان نیست. آنها معتقدند که استاد باید مسائل دانشجویان را درک کرده و نحوه درس خواندن آنها را دریابد. همچنین می‌گویند که ما از اساتید جامعه‌شناسی و روان‌شناسی انتظار داریم که ما را بهتر درک کرده و با ما رابطه مکانیکی نداشته باشند. البته دانشجویان مشکلات شخصی خود را بهانه‌ای برای تخفیف گرفتن در نمره قرار داده‌اند. البته ایجاد روابط صمیمی با اساتید باعث کثرت دانشجو با مشکل مواجه است.

اعتقاد دیگر دانشجویان بر اینست که برای ابراز عقاید و نظریات خود در کلاس، به خاطر وجود گروههای فشار و کنترل غیررسمی، با مشکل مواجه‌اند. آنها بارها از خود می‌پرسند که: این چه رشته‌ای است که در آن نمی‌توان در مورد مسائل روز و یا مسائل

سیاسی بحث کرد. همچنین در همین رابطه دانشجویان گله مند هستند که نمی‌توانند با نیمی از دانشجویان (یعنی دختر یا پسر) بحث کنند، آنها می‌گویند حال در سر کلاسها فرصتی برای بحث و تبادل نظر نیست، پس اگر در محیط دانشگاه هم فرجه‌ای برای بحث کردن نباشد، نهایتاً در کجا بحث انجام خواهد گرفت؟

در آخر دانشجویان نگران دو نکته هستند، نکته اول شرایط سخت و بعضاً غیر ممکن ادامه تحصیل است. آنها معتقدند که ظرفیت پذیرش دانشجو برای فوق لیسانس در داخل کشور، بسیار پائین است^۱. و از طرف دیگر اعزام دانشجو به خارج تقریباً محال است. نتیجه، یک دلسردی برای تلاش بیشتر در جهت افزایش سطح معلومات بیشتر وجود دارد. نکته دوم اینکه دانشجویان آینده شغلی معلومی را در رابطه با رشته جامعه شناسی نمی‌بینند. فارغ التحصیلان این رشته، بسیاری مواقع پس از فارغ التحصیلی به بخشها مراجعه می‌کنند و اظهار می‌دارند که «ای کاش هنوز دانشجو بودیم».

امکانات آموزشی

یکی از مشکلات بسیار اساسی در رشته جامعه شناسی کمبود، امکانات آموزشی است. تصویری که از رشته جامعه شناسی (و بطور کلی همه رشته‌های علوم انسانی) در اذهان بسیاری از مسئولین دانشگاهی وجود دارد، اینست که در این رشته به هیچ وسیله آموزشی بجز تابلو و گچ احتیاج نیست. در واقع این نوع تلقی بسیار نادرست است که بوجود آمده است. گر چه آزمایشگاه رشته جامعه شناسی، تمام جامعه است، اما باید در نظر داشت که برای یادگیری و تحقیق در این رشته به وسایل آموزشی و تحقیقاتی خاص نیاز است.

در رابطه با نیاز اساتید، امکانات بخشها برای پیاده نمودن دروسی که به وسایل خاص نیاز دارد با اشکال مواجه است. اساتید می‌خواهند که درس را با همان سبک پیشرفته عرضه کنند، که نبود امکانات، آنها را از هر گونه نوآوری باز می‌دارد و موجب دلسردی آنها می‌گردد. در نتیجه به همان سبک های متعارف و معمولی متوسل شده و نتیجه آن پیدائی یک دور باطل است. یعنی چون از وسایل استفاده نمی‌شود، مسئولین

۱- برای آمار و ارقام در مورد پذیرش دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی در ایران، مراجعه کنید به: لهستانی زاده، ۱۳۷۱ (الف): ۱۰۵

هم فکر می‌کنند که وسیله‌ای مورد نیاز نیست. در حالی که این کمبود وسایل آموزشی و کثرت دانشجو مشکل آفرین است برای مثال وقتی جزوه‌ها به اندازه کافی تکثیر نمی‌شود، پس با توجه به کمبود کتاب، در نهایت دانشجو باید از چه چیزی استفاده کند. بدون شک یک راه کاهش جزوه‌نویسی، تکثیر جزوه‌هاست.

برخی وسایل مانند پروژکتور، ویدئو، اوررهد، فیلم‌های آموزشی، کامپیوتر (خصوصاً P.C)، ماشین تایپ، کتب مرجع و غیره در بسیاری بخشها یا اصلاً وجود ندارد و یا خیلی کم است. امروزه انواع پروژکتور در کشورهای خارج، در بخش جامعه‌شناسی وجود دارد که جزو وسایل عادی به حساب می‌آید. حتی برای فیلمهای جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی که به راحتی می‌توان از صدا و سیما تهیه کرد، در همه جا ویدئو وجود ندارد. در جائیکه باید در هر کلاس یک ویدئو وجود داشته باشد، می‌بینیم که گاهی در یک دانشگاه فقط یک ویدئو وجود دارد. همچنین در هر بخش باید به تعداد کافی ماشین تایپ فارسی و لاتین به تعداد کافی باشد تا اساتید و دانشجویان مقاله‌های خود را تایپ شده ارائه بدهند و همچنین آموزش تایپ، امری کاملاً اساسی است و به دنبال آن فراگیری کامپیوتر است که امروزه در تمام کشورهای پیشرفته، دانشجویان علوم اجتماعی با آن سروکار دارند و رشته جامعه‌شناسی، ضمن تلاش براس گسترش نظریه‌های خود، سعی دارد، روز به روز کاربردش تر شود. در بخشهای جامعه‌شناسی باید کامپیوترهایی وجود داشته باشد که از طریق پست الکترونیک (E.Mail) با تمام مراکز اطلاع‌رسانی و مراکزی که دارای آمار و سرشماری هستند، ارتباط برقرار کند. امروزه در بسیاری از کشورها، اساتید جامعه‌شناسی از طریق کامپیوتر با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و اطلاعات علمی خود را مبادله می‌کنند. اما در بخشهای جامعه‌شناسی ایران، تنها یکی دو تا کامپیوتر، آن هم بدون ارتباط با جای دیگر وارد شده است. پس چگونه می‌خواهیم یک جامعه‌شناسی در سطح استاندارد جهانی داشته باشیم؟

از مشکلات دیگر، کم رنگ بودن تحقیقات در کنار آموزش است. در بسیاری از درس، خبری از تحقیق و پژوهش توسط دانشجویان نیست، و به نظر استادان انگیزه‌ای برای ترکیب آموزش و پژوهش وجود ندارد و به دلیل تعدد مشکلات، تدریس بتهایی کافی است و به همین دلیل بار تدریس در بسیاری از بخشها، سنگین است. اما بهر جهت، سازمان آموزشی نباید کمک‌کننده به این بی‌تفاوتی باشد.

به استثنای چند درس تخصصی، بسیاری از دروسی که تحقیق دارند، بنابر

یافته‌های تحقیقی، اکثراً ساده و به قول دانشجویان «سبک» است. دانشجویان در بسیاری از بخشها با تحقیقات میدانی آشنا نیست. مثلاً جامعه‌شناسی شهری و روستایی را گذرانده، اما نمی‌داند بطور علمی چگونه در شهر تحقیق کند. بسیاری از اساتید بر این باور هستند که جامعه و مؤسسات مورد نظر ما، با بخشهای جامعه‌شناسی جهت انجام تحقیقات دانشجویی، همکاری لازم را نمی‌کنند، گرچه در بخشنامه‌های متعددی دانشجویان و دانشگاهیان را به تحقیق فرامی‌خوانند. اما عملاً پای تحقیق که به میان می‌آید، همکاری که ندارند به کنار، شوق دانشجویان را به تمسخر می‌گیرند و می‌گویند همه اینها را که شما می‌خواهید تحقیق کنید ما می‌دانیم و نیازی به تحقیق شما نیست. متأسفانه این امر ناشی از تصور غلط عامه نسبت به رشته جامعه‌شناسی است. بسیاری از دانشجویان، تحقیق کتابخانه‌ای را یاد نگرفته‌اند، اینکه چگونه به کتابخانه بروند، کتابخانه شامل چه قسمتها و مطالب و مدارکی است و چگونه باید آنها را پیدا کرد و استفاده نمود. همه اینها باعث شده تا هر گاه از دانشجویان تحقیق اسنادی بخواهیم چیزی در سطح یک انشاءنویسی عرضه کنند.

گاهی اوقات در یک نیمسال، حجم تحقیقات زیاد است و در ترم بعد اصلاً تحقیقی انجام نمی‌گیرد و این موجب عدم تعادل در امر آموزش و تحقیق علمی است و به همین دلیل بعضی از تحقیقات، جنبه رونویسی بخود می‌گیرد. در واقع تحقیق باید نمودی از دروس نظری باشد و دانشجو آن را همانند دروس نظری، یاد گرفته و پیاده نماید. اگر دانشجویی معنی تحقیق و تحقیق کردن را در دوران تحصیل فراموش کند، پس از فارغ التحصیلی با مشکل مواجه خواهد شد.

برای اینکه آموزش اثر مثبت خود را بگذارد، پس از قرار گرفتن امکانات آموزشی بطور کامل در اختیار دانشجو و استاد، یک گام دیگر باید برداشته شود و آن پی‌گیری وضعیت آموزشی دانشجو و نحوه تدریس اساتید است. در بعضی موارد مشاهده شده که دانشجویی در آستانه فارغ‌التحصیلی، واحدهایی از سال اول کم دارد و یا اشکالی در کارش وجود دارد. از طرف دیگر اگر اساتید را ارزیابی می‌کنیم، باید حاصل ارزیابی‌ها را به آنها گوشزد کنیم و پی‌گیری شود که تا چه میزان در اصلاح و ارتقاء سطح آموزش خود، آنها را بکار گرفته‌اند. انجام ارزیابی، یک طرف قضیه و پی‌گیری اصلاحی آموزش اساتید، طرف دیگر قضیه می‌باشد.

و اما آخرین نکته، مسئله‌ی فرصت‌های مطالعاتی اساتید است و در واقع به منزله

تغذیه علمی رشته جامعه‌شناسی است. اساتید در علوم اجتماعی حتماً باید در این زمینه، فرصت‌هایی داشته باشند تا بتوانند از دنیای سریع السیر علوم اجتماعی بهره گرفته و خود را «به روز» نمایند و این به منزله یک وظیفه برای اساتیدی است که در هنگام تدریس، تحقیق هم می‌کنند و در واقع نیاز دارند که از تحقیقات جدید برای ارتقاء سطح آموزش خود استفاده کنند. هدف اصلی فرصت مطالعاتی، بالا بردن کیفیت آموزشی از طریق دست یابی به آخرین مطالب علمی توسط دانشمندان سایر کشورهاست. این امر با حضور اساتید ایرانی در خارج از کشور و اساتید خارجی در ایران (به صورت فرصت مطالعاتی) امکان پذیر است.

منابع

الف: فارسی

- توسلی، غلامعباس، ۱۳۵۳ «کوشش برای فراهم کردن یک کتاب پایه‌ای جامعه‌شناسی» نامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، صفحات ۱۸۴-۱۹۲.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۲، کارنامه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، قم. لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۱، (الف) «بررسی رشته جامعه‌شناسی در ایران (قسمت اول)» نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره سوم، شماره ۱، صفحات ۸۱-۱۱۱.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۱، (ب) «بررسی رشته جامعه‌شناسی در ایران (قسمت دوم)»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره سوم، شماره ۲، صفحات ۱۲۰-۱۶۴.

ب: انگلیسی

Tavassoli, Gholam-Abbas, 1976 "Social Sciences in Iran," In Social Sciences in Asia, UNESCO Paris, 1976.

Mahdi, Aliakbar and Abdolali Lahsaeizdeh. 1992, Sociology in IRAN, Bethesda, MD, USA: jahan co.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی